

استدلال بالینی چیست؟

(Clinical Reasoning)

استدلال بالینی توانایی رسیدن به تشخیص با هدف ارائه ی یک استراتژی درمانی مناسب بر اساس اطلاعات ارائه شده و بدست آمده از بیمار است آموزش دهندگان معتقدند که این مهارت یک مهارت اصلی در مورد توانمندی های پزشکان می باشد.

اهمیت استدلال بالینی

استدلال بالینی جز اصلی توانمندیهای پزشک محسوب می شود. استدلال بالینی را باید به فراگیران پزشکی آموزش داده و به عنوان یک مهارت مورد آزمون قرار داد.

انواع استدلال بالینی

استدلال فرضیه ای از جز به کل، (استدلال رو به عقب) نیز می گویند.

مثال: بیماری باسیانوز مراجعه نموده است فراگیر، فهرست تمام بیماری هایی را که می توانند درد قلبی ایجاد کنند را استخراج و مشخصات تک تک بیماری ها را با وضعیت بیمار مطابقت می دهد تا در نهایت به تشخیص برسد.

استدلال از کل به جز و مبتنی بر نقشه کلی (استدلال رو به جلو): در استدلال از کل به جز مبتنی بر نقشه کلی، فراگیر برای رسیدن به تشخیص از یک رویکرد رو به جلو و آلفوریتیم وار تبعیت می کند تا به تشخیص برسد.

شناسایی الگو:

یعنی مجموعه ای از علائم و نشانه ها، الگویی را ایجاد می کنند که فرد آنها را به دلیل تجربه زیاد (توام با دانش لازم) شناسایی می کند.

ارزیابی مهارت استدلال بالینی:

برای ارزیابی این مهارت و توانایی رسیدن به تشخیص می توان از فهرست اندیشیدن تشخیصی استفاده نمود. این فهرست، یک پرسشنامه است که فرد خود به آن پاسخ می دهد و استدلال بالینی را مورد ارزیابی قرار می دهد.

دو دسته توانمندی در این ابزار اندازه گیری می شود:

الف- انعطاف پذیری در اندیشیدن؛ منظور استفاده از روش ها یا فرایندهای مختلف اندیشیدن در حین فرایند تشخیصی است.

ب- ساختار دانش حافظه؛ منظور در دسترس بودن اطلاعات داخل حافظه در هنگام فرایند تشخیصی است.

برخی منابع توصیه می کنند که ترکیب نمودن استدلال رو به عقب و استدلال رو به جلو به گونه ای که از استدلال رو به عقب آغاز و با استدلال رو به جلو پایان دهیم، بهترین حالت برای آموزش استدلال بالینی است. برخی دیگر نیز روش شناسایی الگوها و آموزش بیماریها براساس تظاهرات بالینی آنها را توصیه می کنند.

آموزش سناریو نویسی یا ساختن فرضیه

در این آزمون توانایی آزمون دهندگان در حیطه ساختن فرضیه مورد سنجش قرار میگیرد. این فرضیه ها میتوانند تشخیصی یا درمانی باشند. در این آزمون تفکر همگرا مورد ارزیابی قرار میگیرد. بدین شکل که فرد با خواندن اطلاعات بیمار به یک جمع بندی میرسد که میتواند به صورت فرضیه یا فرضیه هایی باشد. در این حوزه توانایی جمع آوری اطلاعات اهمیت دارد. توانایی ساختن فرضیه ها به دو اصل اساسی وابسته است:

۱- استدلال رو به جلو ۲- قاعده امساک یا

parsimony

اولی به این کار می آید که بر مبنای اطلاعات موجود بتوانیم فرضیه بسازیم و دومی تضمین کننده ساخت فرضیه هایی با کیفیت است. قاعده امساک به معنای تلاش برای ساختن حداقل فرضیه های تشخیصی با حداکثر علایم بیمار است.



استدلال بالینی



تهیه و تنظیم:

دکتر مریم واعظی

عضو هیات علمی گروه آموزشی زنان مرکز

الزهراء(س)

سال ۱۴۰۳

آزمون پازل ادغام یافته (integrated puzzle)

این آزمون مهارت داوطلبان را در شناسایی شرحنامه یا الگو ارزیابی میکند. وقتی پزشکی باتجربه بیماری برخورد میکند که در حیطه تجربه و تخصص اوست بلافاصله الگویی از آن بیماری در ذهنش فعال می شود و بیماری را تشخیص میدهد. در این آزمون روش شناسایی الگو ارزیابی میگردد بنابراین برعکس بسیاری از آزمونهای استدلال بالینی در این آزمون برای هر سناریو فقط باید یک تشخیص مطرح کرد و این امر مستلزم بازشناسایی الگوی بیماری هاست. این روش مانند آن است که پرونده تعدادی از بیماران درهم ریخته شده و ما تلاش میکنیم با خواندن مجدد اطلاعات مربوط به پرونده ها، آنها را مجددا مرتب نماییم. در این آزمون استدلال غیرتحلیلی به خوبی ارزیابی می شود و از آنجا که استدلال غیر تحلیلی یکی از ویژگیهای خبرگان در پزشکی است، این آزمون ارزش بسیار زیادی برای تفکیک پزشکان با تجربه از نوآموزان خواهد داشت. به منظور طراحی آزمون پازل بیماریها به راحتی میتوان تعدادی سناریو را انتخاب کرد و به قطعات مساوی تقسیم کرد و سپس قطعات بدست آمده را باهم مخلوط نمود.

منابع:

۲- آزمون استدلال بالینی (clinical reasoning)

این آزمون برای ارزیابی مهارت ساختن فرضیه های تشخیصی کاربرد دارد. در این امتحان تعداد ۱۰ سناریو گنجانده میشود و مدت زمان ۱۲۰ تا ۱۵۰ دقیقه برای آن در نظر گرفته می شود. ابتدا یک سناریو و تعدادی تشخیص افتراقی مرتبط با آن مطرح می شود و از داوطلبان درخواست میشود براساس سناریو از بین مجموعه تشخیص های افتراقی مطرح شده تنها یک گزینه را به عنوان پاسخ صحیح انتخاب نماید. سپس فهرستی از یافته های حاصل از شرح حال، معاینه فیزیکی، آزمایشهای پاراکلینیک و ... به صورت گزینه مطرح میشود. داوطلب باید یافته هایی را که مرتبط با تشخیص مورد نظر وی است مشخص نماید و براساس تشخیص مورد نظر به آنها مثبت یا منفی بدهد. مثبت به معنای این است که این یافته تشخیص مورد نظر را تایید می نماید و منفی به این معناست که یافته تضعیف کننده تشخیص انتخاب شده است. گام اول در طراحی آزمون استدلال بالینی نوشتن سناریو است. اندازه سناریو نباید به اندازه ای کوتاه باشد که نتوان تشخیصی را مطرح کرد و نه آنقدر اطلاعات وجود داشته باشد که فقط به یک تشخیص اشاره کند. سناریو باید تا حدی مبهم باشد و اطلاعات برای تشخیص نهایی کامل نباشد.